

# شاهد ختِ ساسانی در ژاپن

هاشم رجبزاده

(دانشگاه مطالعات خارجی اوساكا)

دارم عجب ز نقش خیالش که چون نرفت  
از دیده‌ام که دم به دمش کار شلست و شوست

(حافظ)

اوایل بهار ۱۳۸۰ از رایزنی فرهنگی ایران در ژاپن آگامه کردند که خانمی از خانواده‌های اصیل ژاپنی و پویا در عرصه ادب و هنر با آنها تماس گرفته و خود را از خاندانی کهن از نجبای ژاپن و از تبار شاهزادگان ساسانی که در روزگار باستان به این سرزمین آمدند شناسانده و خواسته است که با یکی از ایرانیان دانشگاهی در اینجا آشنایی یابد تا مگر در کار تحقیق وی یاری‌رسان باشد، و نام و نشان مرا داده‌اند. سخنی شگفتی آور و شوق‌انگیز بود، چرا که سالیانی است که بیشتر اهل تحقیق ژاپن دنبال گرفتن این رشته پر رمز و راز را که کم و بیش از یکصد سال پیش اذهان را به خود داشته بود و یک سر در ژرفای پر مه و غبار تاریخ دور و دیر دارد، از دست نهاده‌اند؛ و اینک تازه شدن این سخن از سوی یکی از چهره‌های ادب و هنر سرزمین آفتاب می‌تواند این قصه را باز بر سر زبانها آورد و بسا که بکوشایی شماری از اهل تحقیق و یاری اسناد تازه یافته داستانها و افسانه‌ها به گستره تاریخ در آید و برگی دیگر از دفتر تمدن و فرهنگ جهانگیر ایرانزمین چهره از غبار روزگار بشوید و چشم و دل اهل معرفت را روشنایی دهد.

گفتند که خانم هیروکو نیشی زاوا Hiroko Nishizawa که اکنون ۷۳ سال دارد، به گواهی اسناد خانوادگی، خود را نسل پنجاه و سوم از تبار شاهزادگان ساسانی که در سده هفتم میلادی و در پی ویران شدن تیسفون به خاور دور آمدند، می‌داند و کتابی هم، داستانوار، با نام «از تبار ایرانی» منتشر ساخته که مجلد یکم از چند دفتری است که درباره خاندان خود در دست نگارش دارد.

خانواده وی از دیر باز در ناگونو، ایالت کوهستانی در میانه جزیره اصلی ژاپن، هونشو، مقیم بوده‌اند، اما او اکنون در شهر مرکزی توکیو زندگی می‌کند.

با نامه‌ای که به تاریخ ۲ آوریل ۱۳/۲۰۰۱ فروردین ۱۳۸۰ از خانم نیشی زاوا رسید و نامه‌ها و دیدار پس از آن، تا اندازه‌ای با تاریخ خاندان وی به روایت این «شاهدخت ساسانی» آشنا شدم. آنچه که در زیر می‌آید حاصل پرس و جوهایم و پاسخ‌هایی است که از خانم نیشی زاوا در نامه‌های ۲ آوریل، ۷ و ۲۳ مه، ۶ ژوئن ۲۰۰۱، و ۲۳ ژانویه ۲۰۰۲ و نیز یک دیدار در ۳ ژوئن ۲۰۰۱ در توکیو یافته‌ام.

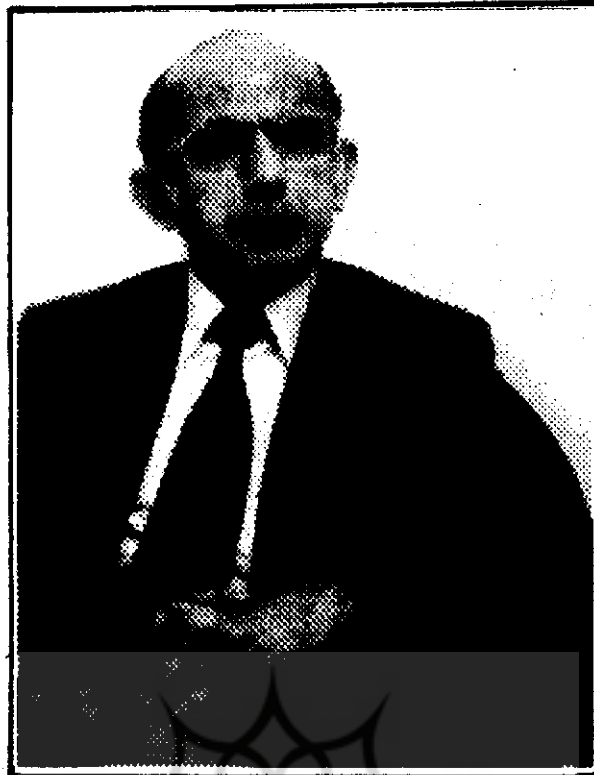
شاه سخن او در نامه‌هایش اینست که برای مبادلات آینده میان ایران و ژاپن، بویژه از نظر داد و ستد تمدنی و فرهنگی و تأثیر امپراتوری شکوهمند ایران بر ژاپن - و اینکه تا چه اندازه اندیشه ایرانی پایه گذار کشور ژاپن بوده - مصمم است که منابع را برسد و مطالب را بی‌پرده و به شیوه علمی فرانهد؛ و این اثر (یا، زندگینامه داستانوار خود) را که «فرزند ایران» یا «از تبار ایرانی» نام داده است، همچون کارنامه زندگی خود برای آیندگان به یادگار خواهد گذاشت.

### سرگذشتی شگفت

«در دانشگاه، نخست ادبیات ژاپنی خواندم؛ و در دوره عالیتر، در دانشگاه واسدا Waseda، هنرهای زیبا و تأثر مطالعه کردم. در این سالها بود که بیشتر شیفته کار و آثار هوکوسای Hokusai (هنرمند نقش ساز ژاپن؛ بنگرید به شرحی که خواهد آمد) شدم، و کتابی در بررسی هنر او نگاشتم که با نام «هوکوسای» از سوی انتشارات بونگی شوئنجو Bungei Shunju در توکیو منتشر شد. حال و هوای کارهای هوکوسای با احساس ژاپنی متفاوت است، و به گمانم ارزشهای زیبایی‌شناسی والا و برتر دارد. حقیقت اینست که او خون بیگانه در رگ داشت و ژاپنی خالص نبود.

«چون در خاندان مخصوص (منظورم خاندانی از تبار شاهان است که از ایران به اینجا آمدند) زاده شدم، زندگی با ژاپنی‌های دیگر تفاوت داشته است. شناخت این واقعیت نقطه عطفی در زندگی بود. به کار نویسندگی آغاز کردم، و تاکنون سه هزار و چند صد اثر ادبی و هنری (داستان، نمایشنامه، تهیه فیلم، کارگردانی سینما و گرداندگی نمایش) در کارنامه‌ام ثبت شده است. هنوز هم نمایشنامه‌هایم را خودم کارگردانی می‌کنم.

«اکنون بر آن شده‌ام که، در جای کارنامه زندگی، «فرزند ایران» یا «شاهدخت ایرانی» را در چند دفتر بنویسم، و در آن نشان دهم که ژاپن عقب مانده آنروزگار از امپراتوری ایران باستان چه تمدن والایی گرفت، و نیاگانم که یکهزار و چند صد سال پیش به ژاپن آمدند چه سان به بنیاد شدن این کشور یاری دادند و اینهمه سالیان را چگونه می‌گذراندند.



● دکتر هاشم رجب‌زاده

«از نشان خانوادگیم و آثاری که باز مانده است می‌توانم تاریخ خاندانم را تا ۳۲۰۰ سال قبل از میلاد یا پیشتر از آن دنبال کنم.

«شماری از دانشمندان اکنون بر این نظرند که قطعه‌هایی از مجموعه قدیم شعری ژاپن، مانیوئوشو Man' yōshu، یا شعرها و مطالب نقل شده در کوچیکی Kojiki (تاریخ افسانه‌ای ژاپن، فراهم آمده در سال ۷۱۲ م.)، نیهونگی Nihongi (یا نیهون شوکی Nihon - shoki)، تألیف شده در سال ۷۲۰ م.) و دیگر آثار قدیم به خواست ایرانیانی که به این سرزمین آمده بودند یا به قلم آنان سروده یا نگاشته شده است.

«نیز، در اسناد خاندانم ۲۷ دستور/ اندرز یا سخن حکمت‌آموز نقل شده است. با بررسی این گفته‌ها به شگفت آمدم، زیرا دریافتم که بدرستی از ایران باستان مایه دارد و از آن سرزمین و روزگار است.

«چون دانشمند نیستم اکنون نمی‌توانم همه این نکات را به راه علمی ثابت کنم؛ اما با پیش چشم داشتن مبادلات آینده ایران و ژاپن، دست کم در شناخت تأثیر تمدن و فرهنگ ایرانزمین بر ژاپن و اینکه اندیشه ایرانی تا چه اندازه در بنیانگذاری ژاپن سهم داشته است، با شور و شوق خستگی‌ناپذیر و بی‌پرده خواهم نوشت.» (از نامه‌های آوریل و مه ۲۰۰۱ م.)

خانم نیشی‌زاوا می‌گوید که به صحرای کبیر (افریقا) و صحاری مصر رفته، اما ایران را هنوز

ندیده است، و آرزوی سفر در فلات ایران را در دل دارد.

\*\*\*

در فهرست آثار خانم نیشی زاوا داستانه‌ها و نمایشنامه‌ها و فیلمنامه‌های بسیار می‌بینیم، سوای فیلم‌هایی که خود کارگردانی کرده یا داستانهایی که بر پرده نمایش آورده است. این داستان نویس و تهیه‌کننده پرتلاش که نمونه‌ای از زنان پویا و کوشا و اجتماعی امروز ژاپن است، با چهره‌مهرآمیز، رفتار متین و فاخر و آداب‌دان و پرظرافت خود در دیدار و گفت‌وگو، که رنگ و رایحه اشراقی ژاپن باستان را دارد، گویی که گیرایی منش و رفتار را بر بزرگی تبار گواه می‌گیرد.

### از تبار ایرانی

کتاب تازه خانم هیروکو نیشی زاوا، پروشیا - نو - سوئه perushiyâ - no - sue (= از تبار ایرانی) داستانی نمایشنامه مانند است در پنج پرده یا پنج فصل، که نویسنده در آن اندیشه و احساس خود را از زبان قهرمانان داستان با بیانی گیرا و دلنشین باز می‌گوید. قهرمانان این داستان از شکوهمندی و شکوفائی ایرانزمین سخن می‌گویند. خانم آساکو فوجی ساکی، از دانش‌آموختگان ایرانشناسی، در نوشته کوتاهش جاذبه این اثر را چنین وصف کرده است:

«درست است که تاریخ، نمایشنامه انسانها است؛ چنانکه می‌گویند که زندگی خود نمایش است، و آدمیزاد بازیگر آن، تفاوت میان زندگی‌ها و افکار این بازیگران، نمایش را جالب می‌سازد و بر شوق بیننده می‌افزاید.

«چرا آدمی به جنگ دل می‌بندد؟ این پرسش بارها در این کتاب می‌آید. آیا به گفته تو مؤیاسو، پسر قهرمان این داستان، این هوسی مقاومت‌ناپذیر است؟ یوشی یاسو رئیس خاندان شی دوء است. او نمی‌فهمد که چرا امیران و سرداران به هر راه و وسیله برای ربودن کشور از دست یکدیگر می‌کوشند، چون او با هنر زندگی می‌کند و نمی‌خواهد که آلوده جنگ و سیاست شود. اما از بخت بد ناچار به این کار می‌شود. از شرو شور سرداران و رزمندگان غافل می‌ماند تا که چند تن ازین خاندان کشته می‌شوند. پیام این کتاب فریادی است که نباید هنر یا دین در راه سیاست به کار گرفته شوند.

«برای این خاندان هنرمند، خون و تبار و نیاگان از هر چیز دیگر والاتر است. هنر در معانی و جاهای گوناگون تجلی پیدا می‌کند، چنانکه در ساختن قصر. قصری که در این کتاب وصف شده است فقط در شش ماه ساخته شد؛ اما معابد بزرگ، چنانکه کلیساهای شکوهمند، شاید که صدها سال می‌کشید تا به انجام برسد. پس هنرمندی که شالوده چنین بنا را ریخته است نمی‌تواند عمارت از کار در آمده را ببیند. اما او و دیگران کار خود را می‌کنند و سهم خود را به انجام

西澤裕子

波斯の末裔

が  
のすえ

گام علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پابلو

● روی جلد کتاب پروشیا - نو - سوئه (فرزند ایران) نوشته خانم هیرو کونیشی زاوا



● شاهدخت ساسانی خانم هیروکونیشی زاوا

می‌رسانند. در فکر آنان چه می‌گذرد؟ بنایی که استوار می‌شود حاصل رنج بسیاری کسان است که خود در این جهان نمانده‌اند، اما اثر کار و هنرشان جلوه دارد. مرگ یوشی یاسو هم ازین مقوله است. او مرگ را بر می‌گزیند تا خاندانش بماند. مردنش هم شیوه‌ای نمادین دارد. به سنت مردان اصیل ژاپن «هارا کیری» می‌کند؛ اما کالبدش بر جا می‌ماند، آویخته بر تکدرختی تناور بر سر کوه. این به آئین گور زرتشتیان مانند است (که مردگان را بر سر سنگی در برجی بلند می‌گذاشتند). به این راه، هیچ کس پروا ندارد که به سرزمین او بیاید و بجنگد، چون از جنازه او هم هراس دارند و نمی‌خواهند به آن نزدیک شوند. این کاری است که از کسی دیگر ساخته نیست؛ مرگی مردانه که جنگ را زیر سؤال می‌برد.

«در این کتاب بارها از شکوهمندی و بالندگی ایران سخن می‌آید؛ گویی که پارس هنوز عظمت چند هزار سال پیش خود را دارد. دوره امپراتوری پارس روزگار اعتلای ایران بود، و عصر ساسانیان شاهد شکوفائی فرهنگ و هنرها و معماری و رواج آئین زرتشت. نیاگان خاندان شی دوء هم از ایران ساسانی به ژاپن آمدند.»

### نگاهی به تاریخ

از ویژگیهای رازگونه و شگفتی برانگیز تاریخ و بنیاد کشور آفتاب اینست که از بیش از ۲۵۰۰

سال پیش خاندان واحدی بر آن پادشاهی داشته‌اند.

هول Hall محقق تاریخ ژاپن نوشته است: «اینکه جزایر اصلی خاک ژاپن همواره زیر حکومت واحد یا تابع خاندان فرمانروای خودی بوده است، اهمیت دارد. جزایر کیوشو، شیکوکو و هونشو - نخستین بار کشور ژاپن در اینجا بنیاد یافت - که بدنه اصلی سرزمین ژاپن را می‌سازند، از نظر سیاسی و حکومتی هیچگاه از هم جدا نبوده‌اند. از سویی هم، کوهستانی بودن این جزایر و احوال خاص اقلیمی آنها موجب شد که ژاپن به نواحی و مناطق متعدد تقسیم شود، و هر کدام - با ویژگی محلی - دستگاه حکومت خود را داشته باشد.

«همین تنوع و تعدد امیرنشین‌ها و مراکز قدرت در زیر حکومت یک پادشاه، گهگاه بواقع و در بیشتر دوره‌های تاریخی بطور اُسمى، باید از رموز ماندگاری دستگاه و تداوم حکومت خاندان واحد امپراتوری بر ژاپن بوده باشد.

«نیز، این تداوم سلسله امپراتوری در ژاپن به توضیح شماری از ویژگیهای سازمان سیاسی اینجا یاری می‌کند... خانواده‌های حاکم خود را در یک جدول انساب خاندانی پرشاخ و برگ که در آن رؤسای خاندانها قدرت سیاسی و نیز زعامت دینی داشتند، سازمان دادند. بدینسان، ساخت قدرت مبتنی بر خویشاوندی، که دستگاه سلطنت نیز در آغاز ازینراه تسلط خود را بر جزایر ژاپن استوار کرد، بدینسان، به پشتوانه اقتدار روحانی الهه آفتاب - نیای بزرگ آنان - بود. «نخبگان متقدم ژاپن رزمندگان و حاکمان بودند؛ و با اینکه تأثیر نظام کشورداری چین موجب شد که سنت رزمندگان در ژاپن از سده هفتم میلادی برای چهار قرن سرکوب شود، در سده دوازده میلادی این طبقه رزمنده - اشراف باز در هیأت سامورایی پدیدار شد و تا عصر جدید (نیمه دوم قرن نوزدهم) مشخص‌ترین نوع رهبر ژاپنی بود. زیر رهبری همین سامورایی بود که ویژگیهای جامعه ژاپن، که با الگوهای چینی تبیین دارد، بر آمد.» (ص ۱۲ - ۶)

### ایرانیان در ژاپن باستان

«شاهدخت ساسانی» می‌گوید که نیاگان او پس از رسیدن به ژاپن در بنیاد کردن معبد بزرگ پایتخت باستانی اینجا سهم عمده داشتند.

«نیهون شهوکی»، تاریخنامه باستانی ژاپن، در ضبط رویدادهای سال ۶۵۴ میلادی از آمدن کسانی از ایرانزمین به ژاپن یاد کرده است:

«تابستان، ماه چهار - آوریل - دو مرد و دو زن از سرزمین تخارا و یک زن از سراواستی

S'ravasti\* را توفان به هیوگو Hiugo آورد.» (ص ۲: ۲۴۶)

نیز، در شرح وقایع سال سوم فرمانروایی امپراتور سایمی Saimei (۶۵۷ م.) در همان مأخذ می‌خوانیم: «در روز سوم ماه هفتم این سال، در یائیز، دو مرد و چهار زن از سرزمین تُخارا که (بر اثر کشتی شکستگی) به کنارهٔ تسوکوشی Tsukushi افتاده بودند، گفتند: «امواج دریا ما را نخست به جزیرهٔ آمامی (که اکنون آمامی اوشیما Amami Ōshima خوانده می‌شود) راند.» پس اسبان چاپار برای آوردن آنها فرستادند.

«در روز ۱۵ (همان ماه) برآمدگی ئی به نمای کوه سوئی sumi در جانب غربی معبد آسوکا Asuka ساخته و نیز آئینی به سلام ارواح در گذشتگان برگزار شد. در آنشب (و در آن مراسم)، مردم تُخارا پذیرائی شدند» (ص ۲: ۲۵۱) اشاره‌های دیگر به آمدن ایرانیان به ژاپن در شرحی که در پی است خواهد آمد.

### افسانه‌ها و سندهای تاریخ

چینیان ایران را پو - سی po - si (پارس یا پارسی) می‌گفتند و عرب را تا - سی ta - si (تازی). در ژاپن آن روزگار هم این نامها را از چینی‌ها گرفتند. ژاپن از راه چین با پو - سی مناسبات تمدنی و فرهنگی داشت. یادگارهای بازمانده در شوشوئین Shosoin، گنجینهٔ امپراتوری ژاپن، در نارا Nara، سند گویای این رابطه است. نیز، در گنجینهٔ معبد بودایی هوریوچی Horyuji، هم در نارا، نوشته‌های پیدا شده روی الواح چوبی و به زبانهای پهلوی و سُغدی، گواه دیگر این داد و ستد معنوی است. شماری از محققان ژاپنی، از آنمیان سئچو ماتسوموتو Seicho Matsumoto، گیکیو ایتو Gikkyo Ito، و ئه‌ایچی ایموتو Eichichi Imoto کوشیده‌اند تا رد و آثار آمدن ایرانیان و فرهنگ ایرانی به ژاپن را باز یابند. پیش از پرداختن به آراء آنان، شرحی را که مهدیقلی هدایت (مخبر السلطنه) نگاشته است می‌خوانیم. هدایت در شرح دیدارهای خود در توکیو همراه میرزا علی اصغر خان اتابک (دسامبر ۱۹۰۳) نوشته است:

«از مقررات پروگرام یکی هم بازدید بندر نظامی است. به ناهار وعده دادیم... در سر ناهار یکی از حضار عنوان کرد که وزیر علوم ملدرد طوماری که از جوف هیکل بودائی در آورد معلوم کرد که در غلبهٔ اسکندر یکی از شاهزادگان ایران به ژاپن آمده است و رشتهٔ سلاطین ژاپن بدو منتهی می‌شود. در تاریخ ایران خبری از این مسافرت هست یا نیست؟ برای اتابک ترجمه کردم،

\* تُخارا ناحیه‌ای در شرق بدخشان، در افغانستان کنونی، شناخته شده، و سراواستی شهری باستانی در سرزمین هند بوده است (همان مأخذ، زیرنویس).



ワイド版 岩波文庫

14

新訂

# 新訓万葉集

上卷

佐佐木信綱編

岩波書店

● 本巻の初版は昭和十一年（一九三六年）に出版された。この新訂版は、昭和五十二年（一九七七年）に出版された。

و جواب داده شد که در آن هنگامه می دانیم که شاهزادگان ایرانی متفرق شدند. بکجا رفتند نمی دانیم.

«در مهاجرت قومی از موغول که مقارن همان اوقات است ممکن است از شاهزادگان ایرانی کسی همراه ایشان به ژاپن رفته باشد. والله اعلم. از تاگاتا مترجم خودمان پرسیدم؛ گفت در کتابی دیده‌ام. سعی کردم آن کتاب را به دست بیاورم اتفاق نیفتاد» (ص ۱۰۲)

## یادداشت‌های کازاما

در ژاپن محققانی چند اشاره‌هایی به خاستگاه مشترک تمدن و فرهنگ ایران و سرزمین آفتاب، با استناد به نشانه‌های تاریخی، داشته‌اند. آکیو کازاما Akiyo Kazama (در گذشته ۱۹۴۵ م.)، نخستین سفیر ژاپن در ایران (سالهای ۱۱ - ۱۳۰۸ خورشیدی)، از پیشگامان این پژوهندگان است. در سفرنامه ایران او می‌خوانیم:

«در جاهایی از ایوان کاخ صد ستون، سنگ نقش برجسته گل داوودی می‌بینیم، و به این

\* در زیرنویس همان صفحه افزوده شده است: «سلطنت ژاپن را در سلسله حاضر ۲۵۴۰ سال می‌دانند. از غلبه اسکندر ۲۲۷۵ سال می‌گذرد. اگر تاریخ صحیح باشد مطابقت نمی‌کند. لکن کلاه آفتاب روی بیرق و صنایع گل داودی که در حواشی تخت جمشید همه جا هست شبیه می‌آورد. باز الله اعلم»

قرینه شماری از دانشمندان احتمال داده‌اند که شاید خاندان سلطنتی ژاپن و خاندان شاهنشاهی ایران با هم پیوندی داشته‌اند. دو شاهزاده ایرانی در روزگار باستان، به دنبال جنگ و از چنگ دشمن، گریختند و به خاور دور تاختند. پس کسانی گمان دارند که [با آمدن آنان] خون ایرانی در رگ ژاپنی آمده است. اما شمار گلبرگهای داوودی در سنگ نقش‌های تخت جمشید کمتر از شانزده است.\* (ص ۷ - ۱۰۶)

«اسناد کهن ایرانی از قدمت تاریخ موسیقی و نمایش در ایران می‌گوید. برابر نظریه مستقر تاریخ‌دانان، موسیقی ایران باستان از راه خاور چین به ژاپن آمد و در گاکاکو (Gagaku، موسیقی درباری ژاپن، اثر نهاد. این که نام پاره‌ای از دستگاههای گاکاکو [از آسیای] خاوری است، یا نام آهنگی از آن، مانند کای کاتسو (kai -- katsu = اوئینور) از سرزمین‌های غرب [آسیا] گرفته شده، بخوبی گویای این واقعیت است.» (ص ۱۲ - ۲۱۱)

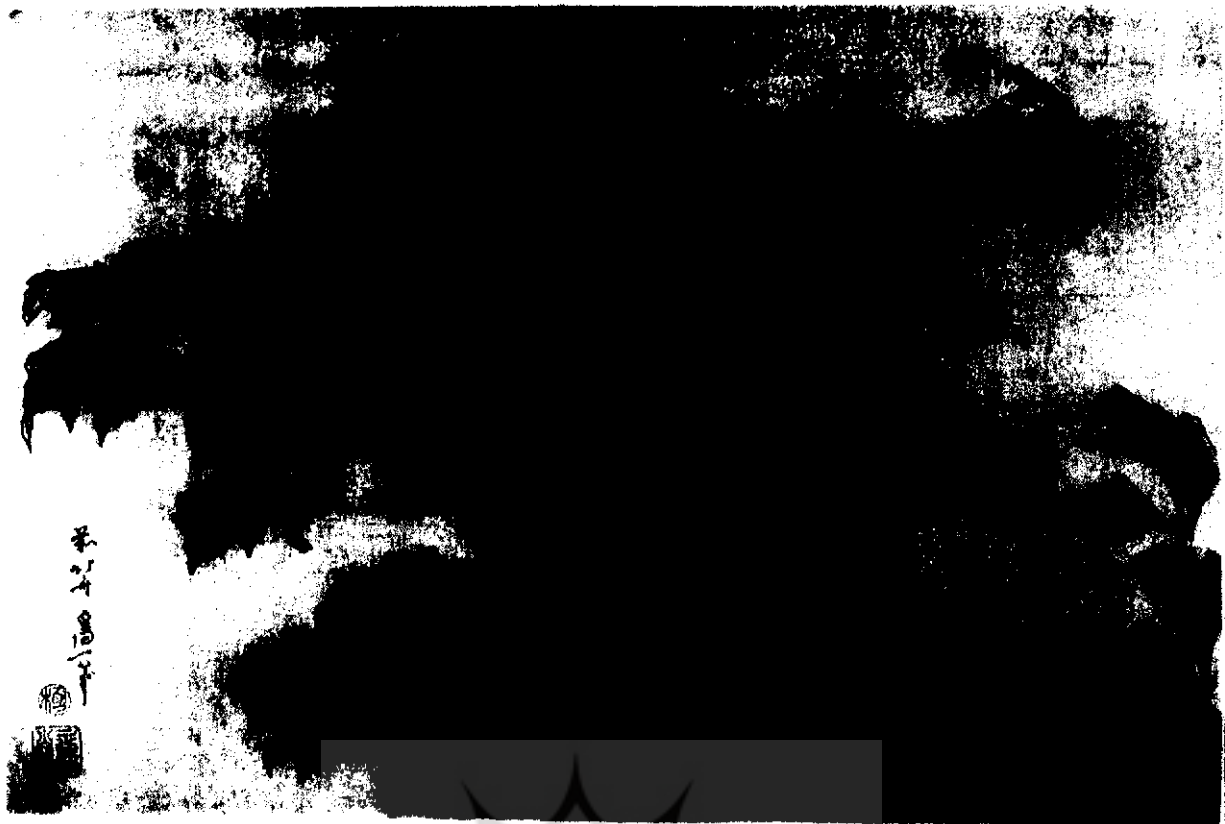
«دانشمندان می‌گویند که قوانین دوره تانگ (Tang = توه Tō، سالهای ۶۲۰ تا ۹۰۷ م.) چین از ایران و روم اثر پذیرفته است. نظامات دوره حکومت نارا - هیان (بترتیب سالهای ۷۱۰ تا ۷۸۴ و ۷۹۴ تا ۸۵۸) در ژاپن به الگوی قوانین چین دوره تانگ / توه پرداخته شد، و از اینرو تأثیر ایران ساسانی در فرهنگ قدیم ژاپن کم نیست.

«بسیاری از راهبان که دین بودا را به چین آوردند، و این آئین از آن جا به ژاپن رسید، ایرانی بودند. قوم دای گه شی Dāi -- geshi (که در منابع چینی از آن یاد شده است) همان ایرانیانند. در آسیای میانه نوشته‌های قدیم بودائی به زبان تُخارا که زبان قوم ایرانی است به دست آمده است. کاهنان چینی، و از آنمیان هوءگن سانزو Hōgen -- sanzo و گن جوء سانزو Genjō -- sanzo به سرزمین قوم دای گه شی (ایرانیان) رفتند. داروما (دارما)، بانی فرقه و مکتب دین بودائی، ایرانی و از مردم جنوب [غرب آسیا] بود.» (ص ۱۲۸)

«آئین عمده‌ای را که پس از تعالیم زرتشت در ایران ظهور کرد، دین مانی دانسته‌اند... کسانی می‌گویند که رسم «فوتومانی»\* در عصر خدایان (اساطیری) در ژاپن، از این آئین و نام برآمده است.» (ص ۱۷۶)

\* امروزه نشان سلطنتی ژاپن گل داوودی شانزده برگ است. اما نگارنده در نمایشگاهی که بتازگی، تا ۱۱ فوریه ۲۰۰۲، در بزرگداشت شوئوکو تایشی، چهره نامور تاریخی ژاپن، در اوساكا برگزار بود، دید که سفالی با نقش گل داوودی کنده شده از عمارت قدیم معبد شی تنو-جی که به نمایش گذاشته شده بود هشت گلبرگ داشت.

\*\* فوتومانی، گونه‌ای راه پیشگونی در ژاپن باستان با در آتش نهادن تیغه استخوان کتف گوزن نری که بیشتر خط و نشانهایی بر آن کشیده شده بود. به تناسب نما و نگاره ترکیدن این استخوان در آتش، خوب یا بد آمدن فال دانسته می‌شد. (← Papinot، ذیل Futomani).



● گل صدفبرگ و پروانه، نقش‌سازی بالوح چوبی، اثر هوکوسای

### نظریه استاد ایموتو

«در سال ۵۷۷ م. شاه کُودارا kudārā (یکی از پادشاهیهای سه گانه کُره که با ژاپن میانه دوستانه داشت) همراه راهب بودائی به نام کِه ایرون Keiron استادکارانی را، که نامشان دانسته نیست، (برای ساختن تندیس بودا و بنا کردن معابد بودایی) به ژاپن فرستاد. همراه اینان استادکاران چهار فن به ژاپن آمدند، که به قرینه زبانشناسانه نامهاشان و نیز اسامی ابزار کارشان که در متون کهن ژاپنی آمده است می‌توان شناخت که ایرانی بوده‌اند. در میان این استادکاران، نامهای دارا میترا داد، شهردمیر، و چوبین قابل تشخیص است.» (ص ۱۱ - ۹)

«ایرانیانی از غرب چین به «کونان» آمدند، که شاید همان استادکاران و دانشگانی بودند که شاه اینجا درخوانست فرستادنشان را کرده بود. او نوشت، نام یکی از آنها (به خط چینی) می‌رساند که پزشکی حاذق بوده است. نیز، کسی که از او به نام شیواتاتسوتو یاد شده، و نیهون - شوکی در ذکر رویدادهای سال ۵۸۴ به او اشاره دارد، در منابع چینی اهل سرزمین دای توء Dāitō یا نانریو، Nanryō به شمار آمده است. گمان می‌رود که تاتسوتو آوانویسی چینی نام «دارودا»ی ایرانی است، و شاید که نام پسرش، تاسونوا، همان تاسونگ / تراشگر به معنی تندیس ساز را می‌رساند.»  
استاد ایموتو، به قرینه‌های تاریخی و زبانشناسی فهرستی از نام ایرانیانی که معبد آساکا

ساختند به دست داده، که از آنمیان است دارامیترداد معمار، و چوبین و شهرمد - میر، سفالکار (ص ۱۲ - ۱۱).

نیر، این پژوهنده احتمال داده که ایرانی ناموری که در سال ۲۰ سوئیکو Suiko (= ۶۱۴ م.) از کُودارا به ژاپن آمد، همان رستم ایرانی بوده است، یا از مردم رُوس / روشیگ که با ساسانیان به سازش رسیده بودند. نیز کسی از غرب آسیا را که در سال ۳ سایمی Saimei (۶۵۷ م.) به آمامی اوشیما در ژاپن رسید (و در نیهون شوکی، نخستین تاریخنامه ژاپن، از و یاد شده) «دارای» ایرانی از ناحیه کوش دانسته است (ص ۱۳ - ۱۲).

### برداشت ماتسو موتو

«به گمان فوکائی (در کتابش با عنوان «شیشه‌های ایرانی») کارهای نفیس شیشه تراش داده شده ساخته سده ششم میلادی [که در ژاپن نگهداری می‌شود] نمی‌تواند محصول ژاپن (دوره امپراتور انکان Aokan، که در سالهای ۵۳۱ تا ۵۳۵ بر تخت بود) یا کره، یا حتی چین باشد؛ زیرا که نمی‌توان تصور کرد که فن شیشه‌گری در اینجا چنین تند برآمده و پیشرفت کرده بود. نیز، به گفته کارشناسان، فن آوران سرزمینهای شرق دور هنوز شیشه را چندان قدر نمی‌شناختند و در ساختن آن همت نمی‌نهادند. این جامهای شیشه از شرق باستان (باختر آسیا، و همان ایرانزمین) که فن شیشه‌سازی در آنجا ترقی و توسعه یافته بود به شرق دور آورده شد، و سرانجام به ژاپن راه پیدا کرد.» (ص ۱۷۰)

«از آمدن مردمی از تخارا به ژاپن در سایمی کی Saimi -- ki، تاریخنامه ملکه سایمی (سی) و هفتمین امپراتور ژاپن که در سالهای ۶۵۵ تا ۶۶۱ بر تخت بود، یاد شده است. اینان باید ایرانیان ساکن آسیای مرکزی (سغدیان) بوده باشند. به نوشته شوکو نیهونگی \* - Shoku Nihongi، ناکاتومی - نو - ناشیرو Nakatomi - no - Nashiro و دیگر اعضای هیأت سفارت ژاپن به دربار تانگ Tang چین (خاندانی که در سالهای ۶۲۰ تا ۹۰۷ حکومت داشت)، در

---

\* این دومین از «تاریخ‌های ششگانه» است (اولین آن نیهون شوکی) به نام ریکو - کوکوشی Riku -- kokushi شوکو نیهونگی، در ۴۰ مجلد و حاوی رویدادهای سالهای ۶۹۷ تا ۷۹۱ (ذیل نیهون شوکی) به وسیله فوجیوارا سوگی نارا Fujiwara Suginawa، ایشیکاوا ناتاری Ishikawa Natari، سوگیه - نو - سانه میچی Sugeno Sanemichi و دیگران تدوین شد.

بازگشتشان سه چینی و یک ایرانی از شهر چوان پایتخت تانگ، همراه خود به ژاپن آوردند، و به اینان در ماه اوت سال هشتم دوره تمپپو Tempyo (برابر ۷۳۶) نزد امپراتور بار داده شد. در ماه نوامبر اینسال به این ایرانی و دیگر هم میهنان او (که در اینجا بودند) عنوان احترامی (که نوع و پایه آن گفته نشده است) داده شد. این ایرانیان می بایست بازرگان بوده باشند. هر چند که شرح یاد شده در این سند تاریخی درباره ایرانیان بسیار کوتاه است، اما می رساند، که ایرانیانی چند در سده هفتم میلادی در ناحیه آسوکا (که کاخ پادشاهی در اینجا بود) می زیستند. یکی از بهترین شاگردان و مریدان گانجین Ganjin (راهب بودایی چینی که در سال ۷۳۵ به ژاپن آمد) نیز گویا ایرانی ای از مردم بخارا بوده است. (ص ۷۳ - ۱۷۲)

«سنگ کاری بازمانده، از سده هفتم در بناهایی در شمال جزیره کیوشو چنان ظریف و دقیق است که کاغذ هم میان درز قطعه سنگهای بنا نمی رود. سازندگان این دیوارهای سنگی باید از استادکاران کُودارا که به خدمت خاندان قدرتمند سوگا Soga در آمدند، بوده باشند. همین گونه سنگ کاری را می توان در دیوارهای جلوی پلگان و صفت و رودی تالارهای تخت جمشید دید، و این می رساند که فن سنگ کاری دیوارهای بازمانده در ژاپن هم از باختر آسیا و از ایران آمده بود. به نوشته کتیبه داریوش که در شوش یافته اند، سنگتراشان تخت جمشید از آناتولی غربی و جای دیگر آمده بودند.» (ص ۷۵ - ۱۷۴)

«نقشه دو معبد بنا شده در ژاپن در اوایل دوره آسوکا (سده هفتم میلادی)، یکی شی تنوجی Ji - Shitenno و دیگری آسوکا Asuka، قرینه سازی دارد (اولی کاملاً و دومی تا حدی). طراحان معبد آسوکا که از نقشه شی تنوجی الگو نگرفتند، می بایست از مردم سفد بوده باشند؛ زیرا که قرینه سازی مشخصه بناهای ساسانی بود.» (ص ۱۷۵)

«کوتاه اینکه بنا کردن معابد و ساختن تندیس بودا به شیوه توری Tori\* در دوره آسوکا (سده هفتم) و بناهای دیگر به دست کارگران بیگانه و با طراحی و به هدایت سفدیان بود، و ژاپنی ها فقط کارگری و اجرای طرح این استادکاران را داشتند.» (ص ۱۷۷)\*\*

\* بخش های نقل شده از کتاب ماتسوموتو را خانم توشیمی ایتو به فارسی در آورده و سپاسگزارم ساخته است. ه. ر.

\*\* کاراتسوکاری - نو - توری Karatsukari -- no -- Tori پیکره ساز بزرگ زمانه خود بود (در دهه ۱۵۰۰ میلادی) و استادکاران او از نوادگان پیکره سازی

## کوش نامه

شماری از منابع و متون کهن فارسی نیز از آمدن شاهزادگان ایرانی به ژاپن یاد کرده است. در این میان، کوش نامه سروده حکیم ایرانشان بن ابی الخیر در سالهای ۵۰۰ تا ۵۰۴ ه. ق. توجه برانگیز است. کوش نامه داستان منظوم فرزندان و نوادگان جمشید است، که پس از چیره شدن ضحاک بر تخت کیانی و به بند افتادن جمشید در الوند کوه، به دشت ارغون در چین پناه می‌برند و پس از سالیانی به سفارش جمشید به ماچین دوم (به احتمال، همان ژاپن) می‌روند و فریدون یکی از نوادگان جمشید به یاری پادشاه اینجا سرانجام تخت نیاگانی را از ضحاک باز می‌ستاند (بنگرید به کوش نامه، به کوشش استاد جلال متینی، تهران، ۱۳۷۷، و مقاله فریدون در سرزمین آفتاب، هم از استاد متینی، در: ایرانشناسی، سال دوم، ش ۲ - تابستان ۱۳۶۹، ص ۱۶۰ تا ۱۷۷؛ و نیز مقاله این نگارنده با عنوان «کوش نامه و ژاپن» (در دست انتشار، به احتمال در دفتر چهارم «پل فیروزه»)

## سندی در میراث ادبی ژاپن

«شاهدخت ساسانی»، در دیدار ۳ ژوئن ۲۰۰۱، به دیدن دفتری از گزیده شعرهای مانیو، شو (مجموعه کهن شعری ژاپن) که به فارسی در آورده ام شتابان پرسید که آیا قطعه ۵۰ این مجموعه را در دفتر فارسی گنجانده ام یا نه؛ و چون شنید که این قطعه بلند در گزیده فارسی نیامده است، با شوقی دریغ آمیز گفت که این سروده یکی از نیاگان او، از شاهزادگان ایرانی است که در ساختن کاخ فوجیوارا Fujiwara همت نهاده بود. در شرح نام جغرافیائی فوجیوارا نوشته‌اند که اینجا در ایالت یاماتو Yamato و ولایت کاماتاری Nakatomi - no - kamatari، بزرگ وزیر، بود؛ و در این مکان بود که این امتیاز از سوی امپراتور تنچی Tenchi (فرمانروا از ۶۶۲ تا ۶۷۱) به او داده شد که نام فوجیوارا را برای خود و اخلافش اختیار کند (سال ۶۶۹). سپس در دوره تاریخی آسوکا - فوجیوارا (سالهای ۶۷۳ تا ۷۰۳) کاخ پادشاهی و پایتخت ژاپن - به فرمان امپراتور تیمو Temmu (۶۷۳ تا ۶۸۶) به آسوکا، در ایالت کنونی نارا، برده شد و در اینجا کاخی ساختند.

متن کامل قطعه ۵۰ مانیو، شو در زیر می‌آید (تروئو سوگا Teruo Suga مصحح نسخه‌ای که قطعه زیر از آنجا آورده شده در شرح خود نوشته که این سروده یکی از کسانی است که برای

ساختن کاخ فوجیوارا به بیگاری گرفته شده بود):

سراسر فراگیر

همه برتر؛ ملکه

بر اوج، روشن می درخشد.

شاهدخت آفتاب

در این سرزمین برهنه،

ولایت فوجیوارا،

اینک کاخ خود را می سازد.

تا که از قصر بلند خود

بر همه این سرزمین فرمان برآند؛

تا که همچون الهه آفتاب

از آن فراز، فرمانروایی کند -

چنین است خواست ملکه؛

پس ای آسمان و زمین

با هم به یاریش برآید؛

از آن سرزمین صخره‌ای

از ولایت آفومی Afumi

از این دست تا آن دست،

از کوه تا ناکامی یاما\*

سروهای بلند بالا و راست را

بیفکنید.

ای همه دیوانیان

و ای همه فرستادگان، که شناور برگستره خزه گرفته اوجی،\*\*

درختان راست قامت جنگل را (می رانید).

\* کوهی در بلوک کوریتا kurita از ایالت شیگا.

\*\* این رود از دریاچه بیوا Biwa سرچشمه می‌گیرد، در ناحیه اوجی در کیوتو روان می‌شود، و به رود یودو



در گرد آوردن تنه درختان،  
 همه مردم در کارند؛  
 کسانشان را ترک می‌کنند،  
 و خود را فراموش.  
 همچون انبوه مرغانِ آبی  
 به قعر آب می‌روند،  
 و تیرهای دروازه را استوار می‌کنند،  
 دروازه آشپانه خورشید  
 تراشید، از تنه درخت،  
 درختانی از ولایت ناشناخته گوسه؛\*  
 و همه کشور به دعا می‌خواهند  
 سعادت جاودانش را.  
 آنگاه سنگ پشت‌های خدا  
 که نقش نوشته‌هایی غریب بر پشت دارند  
 پادشاه تازه را خوشامد می‌گویند،  
 و در رود ایزومی\*\*  
 سروهای بلند شاداب را  
 که به پائین رود روانند  
 به هم می‌بندند، و از آنها  
 یکصد کلک شناور می‌سازند  
 تا به آستانش پیشکش کنند.  
 ملکه بسان الهه‌ای  
 مردم را چنین در تکاپو می‌بیند.

درباره این قطعه مانیو، در نیهون شوکی می‌خوانیم که در پائیز تقویم قمری قدیم - روز  
 ۱ ماه اوت، از سال هفتم دوره آکامی توری (۶۹۳ م.) - ملکه به محوطه کاخش در

\* در شهر گوسه Gose در ایالت نارا.

\*\* از ناحیه اودا Uda در ایالت نارا سرچشمه می‌گیرد. و همان رود است که در دنباله مسیر خود کیتسو  
 Kitsu و ناباری Nabari هم خوانده می‌شود.



فوجیوارا رفت. در بهار قمری، ژانویه، سال هشتم این دوره (۶۹۴ م.) او باز به این کاخ رفت؛ و در زمستان، روز ۶ دسامبر، او به این کاخ نقل مکان کرد.

### شهزادگان ادب شناس هنرور

خانم نیشی زاوا در نامه هایش می گوید که نیاگانش یکهزار و چند صد سال پیش (به احتمال، در پی برافتادن ساسانیان در میانه سده هفتم) به ژاپن آمده و در بنیاد کردن امپراتوری ژاپن آنگونه که در تاریخ مدون و مستند می شناسیم، سهم بوده اند؛ اما می افزاید که از نشانه های بازمانده در خاندانش می تواند تاریخ خانواده و تبار خود را تا ۳۲۰۰ سال پیش از میلاد، یا فزونتر از آن، دنبال کند. در این میان، نام کورش بزرگ را می یابیم، که انسانی والا و خردمند و نیز دانشور و صاحب فن در اوزان و مقادیر بوده است.

نام چند چهره معروف ادب و سیاست ژاپن در روزگار امپراتور تممؤ\* در اسناد خانواده نیشی زاوا یاد شده است.

از شماری دیگر از بزرگان سیاست، ادب و هنر در طی اعصار نیز در شجره انساب خاندان نیشی زاوا نام آمده است، که ازین میان سی شوناگون Sei Shônagon و هوکوسای Hokusai، دو چهره نامدار ادب و هنر ژاپن اند.

سی شوناگون (متولد ۹۶۵ م. در کیوتو) از درباریان امپراتور ایچیجو Ichijo و ندیمه ملکه

\* تاریخ از امپراتور تممؤ Temmu - tennô (فرمانروا در سالهای ۶۷۳ تا ۶۸۶) در جای چهلمین امپراتور ژاپن یاد کرده است. او - اما O - ama یا آما - نو - نوناهازا - اوکی نومایتو Ama no nunahara - oki no mabito سومین پسر امپراتور جومی، در هفتمین سال پادشاهی برادرش تین چی Tenchi به جانشینی او نامزد شد. هنگامی که این پادشاه بیمار شد، سر تراشید و در یوشینو - زان yoshino - zan (دیری در کوه یوشینو) گوشه گرفت. اما همان که اوءتومو - نو - اوء جی otomo no oji، پسر تین چی، با نام امپراتور کوه بون kôbun - tenno بر تخت نشست، اوء - آما لشکری گرد آورد و بر او شورید. این جنگ، که جیشین Jishin no ran خوانده شد، دیر نکشید؛ سپاهیان وفادار به پادشاه برنشسته شکست خوردند و کوه بون خود را گشت. آنگاه اوء - آما برنشست، و در چهارده سال پادشاهی خود را فرمانروایی مدبر نشان داد. او اصلاحاتی را که در دوره تی کوا Teikwa (سالهای ۶۴۵ تا ۶۴۹) آغاز شده بود، دنبال گرفت، از آئین بودا جانبداری کرد، قواعدی برای آئین های درباری نهاد، طرح و طرز لباس پوشیدن را معین ساخت، مقرراتی درباره نامهای خانواده وضع کرد، حدود ولایات را معین و مشخص نمود، و تدابیر اصلاحی دیگری به اجرا در آورد.

張  
古代史をゆく

مطالعات فرهنگی  
 و علوم انسانی

ساداکو در پنین دهه سده دهم، از برجسته ترین نمایندگان ادب خاور دور است؛ اما از زندگی چندان نمی دانیم. شهرت او برای اثر ماندگارش ماکورا - نو - سوء شی Makura no Sōshi - از نخستین نمونه های بازمانده یکی از محبوب ترین انواع ادبی نثر ژاپن موسوم به زویی هیتسؤ zuihitsu یا یادداشتهای پراکنده - است.

هوکوسای (۱۸۴۹ - ۱۷۶۰ م.) از معروفترین صورتگران هنر اوکی یو - نه Ukiyo - e (نقش پردازی با حک کردن طرح بر لوح چوبی) \* است. «شاهدخت ساسانی» والایی این هنرمند را به این مایه می داند که خون ایرانی در رگهایش بود.

### منابع عمده این نوشته:

Hall, John Whitney; From Prehistory to Modern Times, Tokyo, 1971.

Imoto, Eichi; Asukā - derā o Tsukutta Iran - Jin, in: kodai Nihon to Iran, Gakusei - sha, 1984, pp. 1 - 14.

The kojiki: Records of Ancient Matters, Basil Hall Chamberlain (tr.), Tuttle, Tokyo, 1981.

The Man'yo - shu; Teruo Suga (tr.), kanda Univ. of International Studies, Tokyo, 1991.

Matsumoto Seicho, Persepolis kara Asuka e, NHK, Tokyo, 1979.

Nihongi: Chronicles of Japan from the Earliest Times to A. D. 675, W. C. Aston (tr.), Tuttle, Tokyo, 1972.

\* از مجموعه ها و نمونه های معروف چاپ چوبی دوره ادو Edo (سالهای ۱۶۰۰ تا ۱۸۶۷) که به یادگار مانده، سی و شش منظره کوه فوجی ساخته کانسوشیگا هوکوسای Katsushiga Hokusai است. نام او در اصل ناکاجیما تنسوجیرو Nakajima Tetsujiro بود، در ادو (توکیو) دنیا آمد، و پس از شاگردی کانسوکاوا شونشو katsukawa Shunshō نام خود را به کانسوکاوا شونجو Shunchō تغییر داد، و سپس به کانسوشیگا هوکوسای. او بیشتر به حک کردن نقش بر لوح چاپ چوبی پرداخت، و تصویرهای بسیاری اثر هنر او مانده است. از معروفترین کارهایش طرح های شناگران (مانگوان) mangwan، یکصد منظره کوه فوجی، و ۵۳ منزل توءکایدو (شاهراه سراسری ژاپن) است. او با اینهمه کارهای ارزنده، در ناداری و پریشانهالی زیست؛ اما رسیدگی و مهربانی دخترش روزگار پیری وی را شیرین کرد. هوکوسای را در ژاپن از ژاپنیان قدر می شناسند.

Nishizawa, Hiroku; perushiyá - no Sue, Kodansha, Tokyo, 1999.

Pabinot, E. Historical and Geographical Dictionary of Japan, Tuttle, Tokyo, 1972.

Sei Shónagon, The Pillow Book of Sei Shónagon, Ivan Morris (tr.), Penguin, 1971.

Slupski, Z. et la; Dictionary of Oriental Literature: East asia, Tuttle, Tokyo, 1978.

— کازاما، آکیو؛ سفرنامه ایران آکیو کازاما، ترجمه هاشم رجبزاده، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، تهران، ۱۳۸۰.

— هدایت (مخبرالسلطنه)، مهدیقلی؛ سفرنامه تشرف به مکه معظمه از طریق چین، ژاپن و امریکا، چاپخانه مجلس، تهران، ۱۳۲۳.

انتشارات طهوری منتشر کرده است:

● زیبایی پرستی در عرفان اسلامی / دکتر علی اکبر افراسیاب پور

۵۰۸ صفحه / قطع وزیری / ۳۷۵۰ تومان

● تاریخ خانقاه در ایران / دکتر محسن کیانی

۶۲۰ صفحه / قطع وزیری / ۴۵۰۰ تومان

● مها بهارت (بزرگترین منظومه کهنه موجود جهان به زبان سانسکریت)

ترجمه: میرغیاث الدین علی قزوینی مشهور به نقیب خان

به تحقیق و تصحیح و تحشیه: دکتر سید محمد رضا جلالی نائینی

۴ مجلد / قطع وزیری / ۱۸۰۰۰ تومان

انتشارات طهوری — خیابان انقلاب — شماره ۱۴۲۸

صندوق پستی ۱۶۴۸ — ۱۳۱۴۵ تلفن: ۶۴۰۶۳۳۰